

حجر بن عبد الحمید گفت: روزی حمزه بر ما گذشت و آب خواست برایش آوردم. پرسید آیا تواز کسانی هستی که در حلقه من بقراعت حاضر میشوند؟ گفتم آری، گفت نیازی بآب ندارم.

حمزه بن حبیب روز کار چند تن از اصحاب رسول خدای را دریافته و محتمل است که صحبت برخی از ایشان را ادراک کرده باشد.

حمزه محدث و فقیه بوده، روایت حدیث کرده است از ابواسحاق السبعمی و ابواسحاق الشیبانی و حمران بن اعین و اعمش و حکم بن عتیبة و حبیب بن ابی ثابت و منصور بن المعمر و ابوالخثار الطائمی و دیگران. و روایت کرده اند از او ابن المبارک و حسین بن علی الجعفی و عبدالله بن صالح العجلی و دیگران. از تصنیفات حمزه کتاب الفرائض و کتاب قراعت حمزه را نام برده اند. ابن الندیم مینویسد: نخستین کسی که تصنیف کرد در متشابه القرآن حمزه بن حبیب کوفی از شیبه ابو عبدالله الصادق و صاحب جعفر بن محمد بود.

در گذشت حمزه بجلوان بسال ۱۵۶ یا ۱۵۵ یا ۱۵۴ هجری، در روزگار ولایت منصور، گورش در جلوان مشهود و زیارتگاه است. جلوان شهر چه بیست در پایان سواد عراق، ممایلی بلاد الجبل.

ابوسهل گفت کسانی را در خواب دیدم گوئیارویش مانند ماه شب چهارده است. از او پرسیدم آفریدگار با تو چه کرد گفت مرا بقرآن آمرزید. پرسیدم با حمزه چه کرد؟ گفت او در اعلیٰ علیین نشسته است، ما او را نمی بینیم مگر آن سان که کواکب در آرزوی دیده میشود.

قراعت حمزه را روایت کرده اند خالد و خلف (عن سلیم عنه).

خالد

ابو عیسیٰ خالد بن خالد الشیبانی (بالولاء) الصیرفی الکوفی. کینه اش را ابو عبدالله هم گفته اند.

خالد کوفی معروف بخالد امام زمان خود در قراعت و عارف و محقق و استاد

بود. خلاد فراگرفت قرأت حمزه را عرضاً از سلیم. و او اضبط اصحاب سلیم و اجل ایشان بود.

خلاد عالم بقراتها بوده، روایت کرده است قرأت عاصم را از حسین بن علی الجعفی از ابوبکر، و از خود ابوبکر، از عاصم و از ابو جعفر محمد بن الحسن الرواسی.

روایت کرده اند قرائتها را از او عرضاً و تلقیناً احمد بن یزید الحلوانی و ابراهیم بن علی الفصار و ابراهیم بن نصر الرازی و حمدون بن منصور و سلیمان بن عبدالرحمان الصلحی و علی بن الحسین العابدی و علی بن محمد الفضل و عنیسة بن النصر الاحمری و قاسم بن یزید الوزان - و هوانیل اصحابه - و محمد بن فضل و محمد بن سعید البزاز و محمد بن موسی بن امیه و محمد بن شاذان الجوهری الخنسی - و هو من اضبطهم - و محمد بن الهیثم قاضی عبکرا - و هو اجل اصحابه - و محمد بن عیسی الاسبهانی و محمد بن یحیی.

در گذشت خلاد بسال ۲۲۰ هجری، در روزگار ولایت معتم.

خلف

ابو محمد خلف بن هشام بن ثعلب بن هشیم بن ثعلب بن داود بن مقسم بن غالب الاسی المقری البغدادی الامام العالم. خلف بن هشام بزار بغدادی استاد قرآت و عالمی فقه و زاهد و عابد بود.

خلف بسال ۱۰۰ هجری، در روزگار ولایت هشام بن عبدالملک، بجهانت آمد. اصلش از قم الصالح بود. خلف بن هشام خوش نداشت که او را بزار بگویند، می گفت مرا مقرر بنامید. خلف قاری می استاد بود. حفظ کرد قرآن مجید را در ده سالگی و آغاز کرد در طلب علم و سیزده سال داشت.

خلف بن هشام قرأت حمزه را فرا گرفت عرضاً از سلیم بن عیسی الکوفی و عبدالرحمان ابی حماد و دیگران (وسلیم فرا گرفته بود از حمزه).

خلف قرأت کرد بر سلیم بن عیسی صاحب حمزه بن حبیب (و خالف حمزه

اشیاء کثیره). ابن جان درباره اش مینویسد: کان جرأ فاضلاً عالماً بقرآت .
 خلف بن هشام عالم بقرائتها بود ، و خودش - چنانکه بیاید - قرآنی
 مخصوص دارد .

درگذشت خلف بن هشام در جمادی دوم سال ۲۲۹ هجری ، در روزگار آشفته
 ولایت مروان حمار ، خلف در بغداد مرد و او از بیم فرقه جهمییه پنهان بود . جهمییه
 پیروان جهم بن صفوان اند . ایشان موافقت داشته اند با اهل سنت و جماعت در مسأله
 قضا و قدر - مع میل الی الجبر - و نفی میکرده اند صفات و رؤیت باری را و قائل
 بخلق قرآن بوده اند .

۵ - زبان بن العلاء

ابو عمرو زبان بن العلاء بن عمار بن العربیان بن عبدالله بن الحصین بن الحارث
 بن جلهم التیممی المازنی البصری السید الامام . وقد قیل انه من بنی العبر و قیل من
 بنی حنیفة .

ابو عمرو زبان بن العلاء از اعلام و سادات تابعین است . او امام اهل بصره بود
 در نحو و لغت و قرآت .

در نام ابو عمرو بن العلاء خلاف کرده اند ، بیست و یک قول رسیده که اصحش
 زبان است . و نیز گفته اند نامش کنیه اش بوده است . مایه اختلاف این بوده است که
 بواسطه جلالت قدرت و بلندی مقامش از او نرسیده اند نامش را .

ابو عمرو بن العلاء بسال ۶۵ هجری در مکه معظمه در روزگار غلبه عبدالله
 زبیر ، بجهان آمده است . (۵۵ هم گفته اند) قاضی اسد النیری می گوید : او ایرانی
 نژاد و از کازرون فارس بوده است .

ابو عمرو بن العلاء اعلم زمان خود بود بقرآن و عربیت و شعر و ایام عرب . او
 با بودن خس بصری سر بود بود در عام . از جوه و اشراف عرب بشمار می آمد و فرزندق
 شاعر نامی و برا مدح گفته است :

ما زلت افتح ابواباً و اغلقها حتی رأیت ابا عمرو بن عمار
 ابو عمرو بن العلاء نحو را از نصر بن عاصم اللیثی فرا گرفت و از او فرا گرفتند

نحو و ادبیت و غیره را گروه بسیاری از جمله ابو عبیده معتمد بن العثنی و اصمعی و معاذ بن المسلم النحوی و دیگران . اصمعی گفت ابو عمرو بن العلاء می گفت : فرا گرفتم از نحو آنچه را که اعمش نمیداند و اگر نبسته شود نمیتواند از زمین بردارد . کان اعلم الناس بالادب و العربية و الشعر و كانت کتبه التي کتب عن العرب الفصحاء قد ملأت بیتاً لهالی قرب السقف ، ثم انه تنسك فاحرق کلها . او داناترین مردم بود بعلم ادب و عربیت و شعر . یادداشتهاست که از فصیحای عرب کرده بود مخزنش را تا نزدیک سقف پر میکرد . ولی چون بزهد و عبادت کرایید همه آنها را سوزانید .

ابو عمرو بن العلاء فراهم آورده علوم عربی و اشعارشانرا و همه اخبارش از اعرابی بود که روزگار جاهلیت را دریافته بودند . اصمعی می گفت : ده سال با ابو عمرو بن العلاء نشستم نشنیدم از او که احتجاج کند بیک شعر دوره اسلامی . چون هلال رمضان پدید می آمد ابو عمرو بن العلاء یک بیت شعر هم انشاد نمیکرد ، تا آن ماه مبارک پایان میرسید .

ابو عمرو بن العلاء مردی صالح و ناسک و متعبد بود . نقش خاتمش : و ان امرأ دیناه اکبر هم مستمسک منها بحیل غرور .

عبدالوارث گفت : حج می گذاشتم با ابو عمرو بن العلاء فرود آمدیم در راه بر فرودگاه بی آبی ، او ناپدید گشت من بر اثرش رفتم دیدم بر لب چشمه می نشسته وضو می سازد ، نظر کرد بسوی من و فرمود ای عبدالوارث پوشیده دار از من این را . و سوگند بخدای برای کسی نگفتم تا او ورد .

یونس بن حبیب میگفت : اگر در جهان کسی شایسته باشد که گفته او را در هر چیز بگیرند ، سزاوار بود که گفته عمرو بن العلاء را اخذ کنند . اصمعی میگفت : چشمان من مانند عمرو بن العلاء را ندیده است ، هر گاه با او می نشستم تو گویی بر کران دریای پهناوری نشسته ام . ابو عبیده گفت : ابو عمرو اعلم بقرآت و عربیت و ایام عرب بود .

ابو عمرو بن العلاء میگوید : حجاج بن یوسف ثقفی پدرم را طلب کرد ، او